

رئیس جمهور کرزی در برابر فشار بین المللی بیشتر مانه تن به تجدید نظر در قانون زن ستیز داد!

تحت عنوان احوال شخصیه اهل تشیع افغان، قانونی از سوی پارلمان افغانستان به تصویب رسیده و به توشیح رئیس جمهور کرزی نیز رسیده است. البته تصویب قانون مذکور مغایرتی با قانون اساسی نداشته زیرا بنیاد گرایان اسلامی چون برهان الدین ربانی، عبدالرسول سیاف و غیره در لویه جرگه دوم حین تصویب قانون اساسی با توجه به مطالب ذکر شده در باب دموکراسی و رعایت حقوق بشر در مسوده قانون اساسی که از سوی کمیونی تدوین شده بود، علاوه از دستکاری و وارد نمودن تغییرات زیاد، در مسوده مذکور هوشیارانه و دور اندیشانه برای اینکه مبدا در آینده بر وفق دیموکراسی و حقوق بشر قوانین فرعی تصویب گردد، ماده سوم که گفته شده است «در افغانستان هیچ قانون نمیتواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.» را درج نمودند.

به همین اساس تاحال هر قانونیکه از سوی پارلمان مرد سالار به تصویب رسیده در همه مهر شریعت اسلامی خورده و اجراءات در نهادهای دولت نیز بخواست و اراده شریعت مداران صورت گرفته است، و بدین ترتیب از رعایت آزادی، دیموکراسی و حقوق بشر در افغانستان چندان خبری نیست. اگر اینطور نبود چطور ممکن بود پرویز کامبخش بخاطر پخش مضمونی از اینترنت در ابتدا از سوی شریعت مداران محکوم به اعدام و بعد طبق فیصله مرافعه و ستره محکمه به بیست سال زندان محکوم گردد و فرد دیگری صرفاً بخاطر ترجمه قرآن و با وجود اقرار به مسلمانی و عذر خواهی نیز به همانگونه سالها در زندان رنج و عذاب بکشد.

باید اینرا پذیرفت که قانون اساسی افغانستان حق و صلاحیت چنین قانونی را در مورد زن و تصویب هر قوانینی را علیه حقوق طبیعی و آزادی مردم به پارلمان جنگسالار و رئیس جمهور سازشکار با جنایتکاران داده است، اگر ذکری از آزادی و دیموکراسی و حقوق بشر در قانون اساسی دیده میشود فقط برای فریب خوش باوران بکار رفته است.

در ماده صد و سی و دوم قانون احوال شخصیه اهل تشیع چنین آمده است «بر زن واجب است تا در صورت تمایل مرد به استعانت جنسی از او تمکین کند» یکی دیگر از ماده های قانونی مبتنی بر محکومیت زن، به مردان حق داده تا مانع بیرون رفتن زنان از خانه شوند.

اینکه چه باعث شده قانون مذکور در این فرصت از سوی دشمنان آزادی و در مخالفت با حقوق برابری زن و مرد بوجود آید، باید گفت گذشته از تاثیر آن در مساله انتخاب ریاست جمهوری و غیره اینرا قبول کرد که آنچه در سی سال اخیر بر زن افغان گذشته بی تاثیر در بالا رفتن شجاعت و بیداری آن نبوده است، احتمالاً همین بیداری و شجاعت زن در دفاع از حقوق خویش سبب شده که زن افغان دیگر مثل گذشته ها چون موجود بی اراده بخواست های زورگویانه مردان زن ستیز تن در ندهد و شاید از این بابت سر و صدا و نزاع های بیشماری بین زن و مرد برپا شده، تا جائیکه مردان متحجر و متعصب با همه فشارهای فردی نتوانسته اند وضع را مطابق دلخواه شان بروال گذشته تحت کنترل داشته باشند، بنا بران دستگاہای عدلی و قضائی و قانون گذاری دریافته اند که خود و جامعه مرد سالار افغانستان چه میخواهند، با درک این موضوع شتاب زده قانونی را زیر نام «احوال شخصیه تشیع» تدوین و تصویب نموده و رئیس جمهور کرزی هم برای راضی نگه داشتن خاطر آنها چشم بسته آنرا امضا کرده است.

بهر صورت قانون مذکور در این عصر، نهایت شرم آور، فضولی و دخالتی است در عمق زندگی شخصی زن و شوهر و سلب آزادی و اراده زن نسبت به تن و غریزه اش و شرم آورتر اینکه کرسی در دفاع از قانون مذکور بر داشت همه منتقدین را از این قانون غلط میداند، یعنی اینکه در قانون هیچ عیب و نقصی نیست فقط عیب در تعبیر غلط منتقدین از قانون است، در حالیکه یکی از ماده های این قانون به صراحت بمردان حق داده تا مانع بیرون رفتن زنان از خانه شوند، ولی اینرا فکر نمیکنند که زن هم انسان است و هیچ لزومی ندارد که چنین مسایلی یکطرفه به ضرر زن در قید قانون بیاید، گیریم که در حیطه صلاحیت مرد، زن در چه مواردی حق از خانه بیرون رفتن را دارد و یا ندارد، هرگاه نقضی بعمل آید که بدون تردید هر روز ده ها هزار نقض و اختلاف روی خواهد داد، پس مساله حل آن چگونه خواهد بود آیا شوهر حق دارد زنش را جزا داده لت و کوب کند و یا به پلیس و قاضی مراجعه کند؟ در آنصورت به چه تعداد پلیس و قاضی نیاز است؟ مثلاً اگر زنی فراموش کرد از مردش اجازه نخواست به حمام یا به بازار برای خرید رفت جزایش چند ضرب شلاق است؟ هرگاه تا این حد مردی نسبت به زنش مشکوک و بی اعتماد باشد آیا بهتر نخواهد بود که از هم جدا شوند؟

مطرح کردن این مسایل و در قید قانون در آوردن آن چیز تازه ای نیست بلکه از قرنهای قبل بر زن مسلمان همچو قوانین و جبر و ستمی روا دیده شده است، مثلاً:

در آیه ۲۲۳ چنین آمده است « زنان شما کشت شمایند و در هر جای کشت خود می توانید وارد شوید. » « متمم آیه ۳۴ از سوره نساء چنین است: اگر زن شما در مقام نافرمانی و سرکشی برآمد نخست او را پند دهید، اگر براه نیامد از هم خوابگی محروم سازید و اگر باز تسلیم نشد و اطاعت نکرد او را بزنید. »

همینطور در اسلام مطالب زیادی در تضاد میان حقوق زن و مرد وجود دارد. با اینحال تاریخ نشان داده است که شریعت مداران و دولت های اسلامی در برابر دو چیز همیشه گردن نهاده اند، یکی ثروت و دیگری قدرت که بهترین مثال آن عقب نشینی کلیسای کاتولیک در مقابل نظام های سیکولار و لائیسیته در جوامع غربی و در کشور ترکیه اسلامی سرفرود آوردن شریعت مداران در برابر زور اتاترک و نظامی های دیگر.

لذا اگر دول و نهادهای بین المللی خود را به اصول دیموکراسی و رعایت حقوق بشر پابند میدانند، از همان آغاز نمی گذاشتند که شریعت مداران در قدرت تکیه زنند و در لویه جرگه دوم اجازه نمیدادند که قانون اساسی در تضاد با دیموکراسی و حقوق بشر تدوین و به تصویب رسد، ولی حالا که شریعت مدارها در همه تار و پود دولت جا گرفته و بیشتر از همه در راس نهادهای قانون گذاری و محاکم عدلی در قدرت تکیه زده اند، بسیار دشوار می نماید که بتوان آنها را به عقب نشینی و گذشت زیاد واداشت، بیشتر از همه ریا کاری کرسی مسخره آمیز است که با پوشیدن لباس همرنگ به اصطلاح جماعت گاهی از دیموکراسی و حقوق بشر حرفی بزیان می آورد و گاهی هم ملا عمر را برادر عزیز خطاب میکند، جنایتکاران را از زندان رها میکند اما ژورنالیست را بیست سال در زندان نگه میدارد، یک روز قانون سلب حقوق زن افغان را چشم بسته امضا میکند و روز دیگر در اثر فشار بین المللی حکم تجدید نظر آنرا صادر می نماید.

خلاصه مدعیان تطبیق شریعت اسلامی با وجودیکه در قدرت هستند بالاترید از صدای برحق آزادی خواهان داخلی و بین المللی علیه قانون سلب حقوق زن افغان، تب لوزه وجود شان را فرا گرفته و ناگذیر به عقب نشینی هستند.

پایان